

Islamic Economics Studies Vol.11, No.1, (Serial 21), Autumn 2018 & Winter 2019

Comparison of the Impact of Zakat and Conventional Tax on Income Distribution in Selected Provinces of Iran

Hadi Ghaffari *

Received: 2016/09/02

Bagher Hesami Azizi **

Accepted: 2017/01/27

Mohammad Amin Behzadi Movahed ***

The role of taxes in reducing economic inequalities has been a controversial issue, especially in recent decades. The destructive effects of progressive taxes on productivity have resulted in tax reforms on a global scale. With regard to its features and religious backing in Iran, it seems that Zakat (a religious tax in Islam) can have better distributive effect than current conventional taxes. Moreover, estimates indicate that the tax burden of Zakat, as the major tax in Islam, is less than current conventional taxes for Iranian households.

Using econometric analysis of panel data and Gini coefficient, the present study compares the effect of Zakat and that of conventional tax on income distribution in a number of Iranian provinces between 2001 and 2014. The results indicate that the effect of Zakat on income distribution is less than that of conventional tax.

Keywords: Income Distribution, Iranian Provinces, Zakat, Conventional Tax.

JEL: H20 .H24 .D31.

* Associate Professor, Economics Department, Payame Noor University (Corresponding Author) ghafari@pnu.ac.ir

** Assistant Professor, Economics Department, Payame Noor University bhesami2008@gmail.com

*** M.A. of Economics, Payame Noor University iran_behzadi@yahoo.com

مقایسه تأثیر مالیات اسلامی زکات با مالیات متعارف بر توزیع درآمد در استان‌های منتخب ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۸

هادی غفاری*

باقر حسامی عزیزی**

محمد امین بهزادی موحد***

چکیده

نقش مالیات‌ها در کاهش نابرابری‌های اقتصادی از مباحث بحث‌برانگیز به‌ویژه در دهه‌های اخیر بوده است. آثار تخریبی مالیات‌های تصاعدی بر کارایی موجب اصلاحات مالیاتی در سطح جهانی شده است. به نظر می‌رسد مالیات زکات در اسلام می‌تواند با توجه به ویژگی‌ها و پشتوانه اعتقادی آن، آثار توزیعی بهتری از مالیات‌های متعارف فعلی داشته باشد. ضمن اینکه برآوردها، بار مالیاتی را در زکات به‌عنوان عمده‌ترین مالیات در اسلام برای تمام خانوارها نسبت به نظام فعلی مالیات‌های متعارف، کمتر نشان می‌دهد. در تحقیق حاضر بر اساس روش اقتصادسنجی داده‌های پانل و با استفاده از شاخص ضریب جینی به مقایسه تأثیر مالیات اسلامی زکات با مالیات متعارف بر توزیع درآمد در استان‌های منتخب ایران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۰ پرداخته شده است. نتایج حاکی از آن است که یک درصد افزایش در مالیات‌ها، ضریب جینی را به اندازه ۰/۰۶۶ درصد کاهش می‌دهد درحالی‌که این مقدار برای یک درصد افزایش در زکات، ۰/۰۶۴ می‌باشد. به عبارت دیگر، میزان تأثیر زکات بر توزیع درآمد کمتر از مالیات می‌باشد. علت آن می‌تواند سهم ناچیز درآمد ناشی از زکات در مقایسه با درآمد مالیاتی کشور باشد.

واژگان کلیدی: توزیع درآمد، استان‌های ایران، زکات، مالیات متعارف.

طبقه‌بندی JEL: H20، H24، D31.

ghafari@pnu.ac.ir

bhesami2008@gmail.com

iran_behzadi@yahoo.com

* دانشیار اقتصاد دانشگاه پیام نور، (نویسنده مسئول).

** استادیار اقتصاد دانشگاه پیام نور،

*** کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه پیام نور،

مقدمه

یکی از وظایف اصلی دولت‌ها در تمامی اقتصادها فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای حصول عدالت اقتصادی و به تبع آن، توزیع عادلانه درآمدها است و یکی از ابزارهای سیاستی جهت رسیدن به این مهم مالیات‌ها می‌باشد (اسدالله‌زاده بالی، ۱۳۸۷، ص ۷۳). نقش مالیات‌ها در توزیع مجدد درآمد با طراحی مالیات‌های تصاعدی و نرخ‌های متعدد در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به اوج خود رسید. لیکن انحراف‌زایی شدید و پیچیدگی نظام‌های مالیاتی مزبور موجب روند رو به رشد اصلاحات در ساختارهای مالیاتی جهان شد. کاهش نرخ‌ها، هموار کردن ساختار نرخ‌ها (کاهش تعداد طبقات و نرخ‌های نهایی)، گسترش پایه‌های مالیاتی و پیگیری اهداف ساده‌سازی، خنثایی در تخصیص و برابری افقی به جای برابری عمودی درس‌های مهمی از اصلاحات مالیاتی هستند (گیلک حکیم آبادی، ۱۳۷۹، ۴۳).

نظام‌های مالیاتی تصاعدی به ندرت منتج به نظام‌های تصاعدی مؤثر (واقعی) شده‌اند و اغلب به خاطر تفاوت در برخورداری از امکان فرار در بین گروه‌های پرداخت‌کننده مالیات منجر به نابرابری‌های افقی اساسی شده‌اند (ترسک، ۱۹۹۰، ص ۶۶). نظام‌های مالیاتی ایران نیز علی‌رغم دارا بودن نظام تصاعدی قانونی، موفقیت چندانی در توزیع مجدد درآمد نداشته است^۱.

توسعه اسلامی به معنی فرایندی است که یک جامعه سنتی را با رویکرد اسلامی به جامعه صنعتی تبدیل می‌کند و طی آن وضعیت از شرایط سنتی به مدرن تغییر خواهد نمود. تفاوت توسعه در اقتصاد اسلامی با توسعه در اقتصاد متعارف در این است که توزیع امکانات جامعه بر اساس عدالت شکل می‌گیرد. عدالت به معنی دریافت بر اساس استحقاق است؛ این تعریف را اغلب اقتصاددانان قبول دارند ولی در معنی استحقاق اختلاف نظر دارند (لشکری و بافنده ایماندوست، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

به نظر می‌رسد مالیات در اسلام بویژه زکات به علت دارا بودن ویژگی‌های خاص، ضمن حفظ سادگی، خنثایی در تخصیص و برابری افقی و تا حدودی نیز به برابری عمودی کمک می‌کند (گیلک حکیم آبادی، ۱۳۷۹، ۵۶). بررسی آثار توزیعی زکات به عنوان مهم‌ترین بخش مالیات‌های اسلامی در مقایسه با آثار توزیعی مالیات

متعارف، موضوع این تحقیق می‌باشد. مقایسه با فرض جایگزینی زکات به جای مالیات‌های متعارف در ایران و تأثیر جایگزینی بر توزیع درآمد صورت می‌گیرد. سازماندهی مقاله از این قرار است که پس از مقدمه، در قسمت دوم پیشینه تحقیق بیان می‌شود. در قسمت سوم به مبانی نظری شامل مالیات متعارف، مالیات اسلامی زکات، توزیع درآمد و ضریب جینی پرداخته شده و در قسمت چهارم روش تحقیق و تصریح مدل مطرح می‌شود. در قسمت آخر ضمن تحلیل آثار توزیعی زکات و مالیات متعارف، مقایسه و نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات انجام شده بر روی مالیات اسلامی زکات، مالیات‌های متعارف و توزیع درآمد را به دو گروه مطالعات خارجی و داخلی تقسیم کرده و هر یک را به‌طور مختصر شرح می‌دهیم. ثامنی (۱۳۷۷) به تعیین ظرفیت بالقوه زکات در ایران پرداخته و سعی نموده است درآمدهای بالقوه از پرداخت زکات را محاسبه کند، هدفی که او در تحقیق خود دنبال کرده، این مسئله است که: زکات تا چه حد، در اداره امور حکومتی به دولت کمک می‌کند. وی به محاسبه درآمدهای بالقوه حاصل از زکات (بافرض انحصار در موارد نه‌گانه) پرداخته و نشان می‌دهد که زکات تنها ۱۶ درصد از مخارج دولت را تأمین می‌کند و لذا به‌تنهایی منبع مناسبی برای اداره امور حکومت نیست.

زمانی‌فر (۱۳۸۲) به بررسی توانایی زکات بالقوه در رفع فقر استان‌های تهران، سمنان، اصفهان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، بوشهر و ایلام پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مقایسه درآمدهای حاصل از زکات بالقوه دلالت بر آن دارد که این درآمد به‌تنهایی برای رفع فقر استان‌های مورد نظر کفایت نمی‌کند. از این‌رو، استفاده از درآمدهای دیگری از جمله مالیات ضروری است.

گیلک حکیم آبادی (۱۳۸۵) با مطالعه موردی استان گلستان، به بررسی تأثیر زکات (گندم و جو) در کاهش فقر پرداخته است. نتیجه تحقیق او نشان می‌دهد: اگر زکات با درایت و مدیریت گردآوری و هزینه شود، قادر به تأمین مالی گروه بزرگی از فقیران است. ویژگی عمده این تحقیق در طرح مباحث اساسی فقهی اقتصادی زکات، به‌ویژه

در برآورد صحیح و همچنین مصارف آن است.

اسدالله زاده بالی (۱۳۸۷) طی پژوهشی با عنوان «اثربخشی مالیات بر نابرابری و توزیع درآمد در ایران»، عوامل مؤثر بر نابرابری توزیع درآمد طی دوره ۸۴-۱۳۵۳ را توضیح داده و سپس با استفاده از اقتصادسنجی و با روش OLS تأثیر مالیات‌ها بر شاخص توزیع درآمد (ضریب جینی) را بررسی کرده است. نتایج حاکی از آن است که با افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و کاهش نرخ مالیات مستقیم به مالیات غیرمستقیم، ضریب جینی بهبود می‌یابد.

کیاالحسینی (۱۳۸۷) می‌کوشد تا ضمن طرح بحث‌های فقهی مربوط به زکات فطره و با توجه به اطلاعات موجود، مبلغ ریالی آن در سطح خانوارهای شهری و روستایی در هر دهک درآمدی (هزینه‌ای) و همچنین در سطح ملی را برای دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۰ برآورد کند. نتیجه تحقیق او این است که زکات فطره به‌تنهایی برای رفع فقر کفایت نمی‌کند و لازم است که برای رفع فقر از منابع دیگری استفاده شود.

فلاحتی و همکاران (۱۳۸۸) طی پژوهشی با عنوان «تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۴»، به بررسی توانایی عملکرد سیستم مالیاتی در داخل کشور و مقایسه آن با دیگر کشورها پرداختند و نتیجه گرفتند که مالیات بخش کوچکی از درآمد دولت را شامل می‌شود و هیچ‌گاه به‌طور جدی به سیستم مالیاتی و راه‌های مناسب و بهینه اخذ آن توجه نشده است. بدین ترتیب همواره مالیات یک منبع ضعیف تأمین درآمدها برای دولت بوده است و افزایش مالیات‌ها باعث کاهش رشد اقتصادی شده است.

گیلک حکیم آبادی (۱۳۸۹) طی پژوهشی با عنوان تحلیل مقایسه‌ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران نتیجه گرفت که بار مالیاتی در خمس به‌عنوان عمده‌ترین مالیات بر درآمد در اسلام برای تمام خانوارها نسبت به نظام فعلی مالیات بر درآمد، کمتر بوده و به‌طور کلی نیز نظام خمس با کمترین اختلال در کارایی اقتصادی موجب تقویت عدالت عمودی خواهد شد.

عسگری و کاشیان (۱۳۸۹) طی پژوهشی با عنوان «آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷»،

ضمن طرح بحث‌های فقهی مربوط به زکات و با توجه به اطلاعات موجود و مبلغ ریالی زکات جمع‌آوری شده، نتیجه گرفتند که در جوامعی که زکات پرداخت می‌شود و در مسیری صحیح مورد استفاده قرار می‌گیرد، هیچ فقیری باقی نخواهد ماند یا حداقل آنکه حداقل‌های معیشتی فقرا در آن جامعه تأمین می‌شود.

موحدی و رضایی (۱۳۹۱) در مقاله «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی (دلالت‌هایی بر حل پرداخت‌های دوسویه) به نقد نگاه رایج از ارتباط دو نظام مالی (نظام مالیه مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور) پرداخته و به تبیین ارتباط مطلوب وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی به‌عنوان اولین گام نظام‌سازی مطلوب مالیاتی می‌پردازند. یکی از دلالت‌های این نوع نگاه جدید به نظام مالیاتی، حل مشکل پرداخت‌های دو سویه خواهد بود.

فیض محمد (۱۹۹۱) به تعریف زکات و موارد آن می‌پردازد و می‌گوید که زکات در هر کالایی متفاوت است و خداوند آن را برای کمک به فقرای مسلمان وضع کرده است. به اعتقاد او، زکات یکی از عبادت‌های مهم پنج‌گانه است؛ ولی در کنار آن، هدف مهمی را نیز دنبال می‌کند و آن ریشه‌کن کردن فقر و از بین بردن نابرابری‌هاست. او در ادامه به بررسی سیستم زکات در پاکستان می‌پردازد (به نقل از عسگری و کاشیان، ۱۳۸۹، ص ۹).

فریرا (۲۰۰۵) اثر اعمال مالیات بر سود را بر رفاه و نابرابری بررسی نموده است. بررسی وی حاکی از آن است که اعمال هر نوع مالیات به افزایش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می‌شود و در صورتی که این درآمدها به شکل صحیحی در جامعه مصرف شود می‌تواند منجر به بهبود رفاه گردد.

کبیر حسن و جوانید مسرور خان (۲۰۰۷) به بررسی آثار زکات در برنامه توسعه بنگلادش پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان، اگرچه دولت بنگلادش تلاش زیادی برای کاهش فقر می‌کند، اما هنوز به زکات به‌عنوان برنامه‌ای در الگوی توسعه این کشور که بتواند در کاهش فقر نقش داشته باشد، توجه نکرده است. ایشان در ادامه به بررسی درآمدهای حاصل از زکات می‌پردازند و نشان می‌دهند که اگر دولت به مسئله زکات توجه نماید، در این صورت، مقدار قابل‌توجهی از مخارج لازم برای کاهش فقر را تأمین می‌کند؛

بنابراین، پولی را که برای تأمین مالی منابع لازم برای رفع فقر استفاده می‌کرده است را می‌تواند در جهت سرمایه‌گذاری و ایجاد توسعه اقتصادی خرج نماید (به نقل از عسگری و کاشیان، ۱۳۸۹، ص ۹).

کوان کامینادا و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان، بررسی نابرابری درآمدی و اثر توزیعی مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی در ۲۰ کشور عضو OECD بیان می‌دارند که در اکثر کشورهای OECD فاصله بین غنی و فقیر در طی دهه‌های گذشته شدیدتر شده است. نتایج نشان می‌دهد که در بیشتر کشورها، میزان توزیع مجدد نیز افزایش یافته است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. توزیع درآمد

توزیع درآمد یا توزیع مجدد درآمد^۲، درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک کشور را بیان می‌کند. توزیع درآمد نشان‌دهنده سهم بخش‌های مختلف اقتصادی، کشاورزی، صنعت و معدن و غیره از محصول ناخالص ملی است. توزیع درآمد در اقتصاد، چگونگی تقسیم درآمد بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی، در نتیجه عملکرد سیستم اقتصادی را بیان می‌کند. نابرابری در توزیع درآمد کشورها ریشه در تاریخ کشورها دارد و رفع این نابرابری به سیاست‌گذاری کلان مالی وابسته است. توزیع درآمد یا به عبارت بهتر توزیع مجدد درآمد دارای اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیار مهمی برای دولت‌ها است.

۲-۱-۱. توزیع درآمد در اسلام

در یک نگاه کلی به سیستم توزیع درآمد در اسلام می‌توان چهار شاخص اصلی را که لازمه یک سیستم توزیع مطلوب است، مشاهده نمود:

- ۱- توزیع در نظام اقتصادی اسلام به گونه‌ای است که انگیزه‌های تولید را از افراد سلب نمی‌کند. زیرا هرکس می‌تواند از حاصل تلاش و کوشش خود بهره بگیرد.
- ۲- تخصیص عوامل تولید به بهترین شکل انجام می‌گیرد. در اینجا باید محدوده تولیدات مباح را از محدوده تولیدات واجب و حرام و شغل‌های مستحب و مکروه جدا نمود. در محدوده تولیدات مباح صحیح‌ترین تخصیص منابع، توسط مکانیسم قیمت‌ها

ایجاد می‌گردد.

۳- با توجه به انواع محدودیت‌هایی که در توزیع وجود دارد مانند شغل‌های حرام، معاملات باطل و لزوم پرداخت مالیات‌ها، زمینه‌ای برای پدید آمدن انحصار در درازمدت بوجود نمی‌آید تا امکان فعالیت از دیگران سلب شود.

۴- با قرار گرفتن نیاز، به‌عنوان یکی از زمینه‌های تحقق مالکیت، دیگر کسی به‌واسطه ناتوانی و فقر، از داشتن زندگی مناسب محروم نمی‌گردد، همچنین آنچنانکه از آیات و روایات متعددی استفاده می‌شود مطلوب‌نهایی اسلام در توزیع، مساوات و ایثار است. چنانکه خداوند در وصف انصار رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «دیگران را بر خویش مقدم می‌دارند گرچه خود مبتلا به فقر می‌باشند».

به اعتقاد شهید محمد باقر صدر، دستگاه توزیع در اسلام، از دو ابزار اصلی تشکیل شده است: کار و نیاز. از دیدگاه شهید صدر، اسلام تنها کار را موجب مالکیت کارگر به نتیجه عمل خویش می‌داند و این مالکیت خصوصی مبتنی بر کار، گویای میل طبیعی انسان به تملک نتایج کار خویش است و قاعده‌ای اسلامی که شهید صدر استخراج می‌کند، این است که کار موجب مالکیت کارگر بر ماده و نه سبب ارزش آن است، بنابراین کارگر، زمانی که لؤلؤ را استخراج می‌کند تنها با این کارش، مالک آن می‌شود و با این کار، به آن ارزش نمی‌بخشد. در این زمینه می‌فرماید: «کار در نظر اسلام پایه مالکیت کارگر است، با این ترتیب کار وسیله اصلی در دستگاه توزیع اسلامی است. زیرا هر کارگری بوسیله کار از ثروت‌های طبیعی‌ای که به‌دست می‌آورد بهره‌مند می‌شود و طبق قاعده: کار علت مالکیت است، حاصل کار خویش را به تملک در می‌آورد» (صدر، ۱۳۵۹، ص ۶۷).

شهید صدر، عناصر سه‌گانه شکل‌دهنده دستگاه توزیع در اسلام را چنین خلاصه می‌کند: ۱. «کار» به‌عنوان اساس مالکیت، ابزاری اصلی برای توزیع است، بنابراین کسی که در عرصه طبیعت کار می‌کند، ثمره کارش را خود می‌چیند و مالک آن می‌شود. ۲. «نیاز (احتیاج)» به‌عنوان تعبیری از حق انسانی ثابت در زندگی شرافتمندانه، ابزاری اساسی برای توزیع است و به این ترتیب، توزیع متکفل رفع نیازهای جامعه اسلامی است. دولت اسلامی از محل درآمدهای ناشی از زکات می‌تواند این عنصر شکل‌دهنده

دستگاه توزیع در اسلام را پوشش دهد. ۳. «مالکیت»، از طریق فعالیت‌هایی تجاری که اسلام در ضمن شرایط خاصی که تعارضی با اصول اسلامی عدالت اجتماعی نداشته باشد، اجازه آن را داده است، ابزار ثانوی توزیع است (صدر، ۱۳۶۰، ص ۲۵۲).

در مجموع دیدگاه متفکران مسلمان درباره توزیع به این صورت است که توزیع درآمد و ثروت بایستی بر اساس تلاش و توانایی افراد صورت گیرد و این در شرایطی باشد که تبعیض بین افراد برای بروز خلاقیت‌ها وجود نداشته باشد. هدف از توزیع درآمد در اسلام نه تنها رسیدن به جامعه‌ای است که در آن عدالت اقتصادی بوجود آمده، بلکه بالاتر از آن دستیابی به جامعه‌ای است که مردم در اموال خود، دیگران را شریک بدانند. هدف غائی و نهایی اسلام برقراری مساوات است. رسیدن به چنین جامعه‌ای در سایه تربیت‌های اسلامی و توسعه بینش و آگاهی لازم نسبت به قوانین اسلام است.

توزیع منابع از دو طریق سلبی و ایجابی حاصل می‌شود:

الف) جنبه سلبی:

۱. تصرف منابع طبیعی، جز برای خدا و رسول و ائمه معصومین (ع) برای کسی مقدور نمی‌باشد.
۲. جز حق کار بر روی زمین، حق دیگری ایجاد نمی‌گردد.
۳. منابع آب‌های زیرزمینی و معادن که در تابعیت ملک احیا شده نباشد، ملک شخصی کسی محسوب نمی‌شود.
۴. آب‌های روی زمین مانند دریاها، رودها و نیز معادن ظاهری، قابل تملک خصوصی نیست.

ب) جنبه ایجابی:

۱. احیای زمین موات موجب مالکیت می‌شود.
۲. کشف و استخراج معادن باطنی موجب مالکیت معدن می‌شود.
۳. تحجیر زمین موات موجب حق اولویت در مالکیت می‌شود.
۴. حفر چاه و احداث قنات و نهر، موجب مالکیت می‌شود.
۵. صید حیوان و گرفتن آن و جمع‌آوری هیزم و سنگ‌های بیابان و حیات از آب رودخانه‌ها و دریاها سبب مالکیت می‌شود.

۲-۲. مالیات و انواع آن

مالیات، قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور (اجرای سیاست‌گذاری مالی) به موجب قوانین به‌وسیله اهرم‌های اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود. ادبیات اقتصادی مالیات نیز مشابه دیگر شاخه‌های اقتصادی، به مرور زمان دچار تحولات عمده‌ای شده است.

آمار ارائه شده در یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه می‌تواند یک کنترل‌کننده نرم‌افزاری و علمی جهت ارتقا سطح کارآمدی اقتصاد شود و همواره اطلاعات مورد نیاز جهت برنامه‌ریزی عمومی و کسب حقوق برابر جهت رسیدن به فرصت‌های برابر را نهادینه کند. نظام مالیاتی مرکب از بخش‌های قانون مالیاتی، مالیات‌پردازان، مالیات‌گیرندگان و روش‌های عملیاتی است که هرکدام از این بخش‌ها اگر به صورت کارآمد عمل کنند، نظام مالیاتی به اهداف خود خواهد رسید. مالیات‌ها معمولاً به دو گروه مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم^۳ تقسیم‌بندی می‌شوند.

مالیات‌های مستقیم بر اساس نرخ‌های ثابتی دریافت می‌شوند. در واقع افرادی که از امکانات رفاهی و مادی بیشتری برخوردارند، مالیات بیشتری می‌پردازند. این نوع مالیات‌ها، درآمد حقیقی پرداخت‌کننده مالیات را کاهش می‌دهند اما به نوبه خود موجب بهبود در توزیع درآمد می‌گردند، به عبارت دیگر، این نوع مالیات‌ها مستقیماً بر منبع درآمد افراد، خانوارها و بنگاه‌ها وضع می‌شوند و پرداخت‌کننده نهایی آن‌ها را می‌پردازد.

مالیات‌های غیرمستقیم مالیات‌هایی هستند که پرداخت‌کننده آن مشخص و معین نبوده و پرداخت‌کننده، این مالیات‌ها را بر حسب نوع بازار، فعالیت و شرایط حاکم بر آن بازار بخشی از مالیات یا تمامی آن را به دیگران منتقل می‌کند.

۲-۳. زکات

زکات از ریشه زکی به معنای رشد و آبادانی آمده است. در حدیثی از امام علی (ع) است که می‌فرماید: «الْمَالُ تَنْقُصُهُ التَّفَقُّةُ، وَالْعِلْمُ يَرْكُوُ عَلَي الْإِنْفَاقِ» (ابن منظور، لسان العرب، ص ۳۵۸). یعنی مال با خرج کردن از بین می‌رود درحالی‌که علم با انفاق آن افزون می‌گردد. ملاحظه می‌شود که در این حدیث زکات به معنای رشد و تکثیر بکار

رفته است. اموال اغنیا به وسیله زکات پاک گشته و موجب رشد و نمو اقتصاد می‌گردد. همچنین زکات به معنای پاکیزه نیز آمده است.

۲-۳-۱. جایگاه زکات در تشکیلات مالی اسلام

زکات مهم‌ترین مالیات اسلامی بوده است که در قرن‌های متمادی، دستگاه خلافت و حکومت‌های اسلامی آن را دریافت می‌کرده‌اند، بنا بر قوانین و دستور صریح دین اسلام، زکات باید به مصارف معین برسد. زکات به منزله مالیات بر تولید است، مالیاتی که در حدود معینی اخذ می‌شود و تنها برای اصلاح جامعه به کار می‌رود و به تعبیر دیگر می‌توان گفت که زکات از مالیات‌های محلی است که از مکلفان هر محل اخذ و به مستحقان همان‌جا داده می‌شود و یکی از تفاوت‌های مهم آن با دیگر درآمدهای حکومت اسلامی همین نکته است.

نرخ‌های زکات که از سوی شارع مقدس تعیین گردیده، معیاری کارا برای نرخ‌های مالیات می‌تواند باشد. نرخ زکات برای گوسفند تقریباً ۱ درصد، برای گاو و شتر تقریباً ۲ درصد، برای طلا و نقره تقریباً ۲.۵ درصد و برای محصولات کشاورزی ۵ تا ۱۰ درصد است. این نرخ‌ها اصول ثابتی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها بیان می‌دارد. نمی‌توان از آن تعدی کرد ولی می‌توان برحسب شرایط آن‌ها را تعدیل نمود. دولت می‌تواند در شرایط خاص، نسبت مالیات‌ها را معین کند (بهشتی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۷). به این خاطر نرخ زکات محصولاتی که تولید آن‌ها با سهولت و صعوبت متفاوتی انجام می‌گیرد، متفاوت است.^۴

نصاب‌های زکات نیز به علت وحیانی بودن، معیاری کارا برای تعیین نصاب‌های مالیات ایجاد می‌کنند. نصاب زکات برای گوسفند چهل رأس، برای گاو سی رأس، برای شتر پنج رأس، برای غلات ۸۴۷ کیلوگرم و برای طلا و نقره به ترتیب حدود ۱۵ و ۱۰۵ مثقال معمولی است. این نصاب‌ها اصول ثابتی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها بیان می‌دارد که نمی‌توان از آن‌ها تعدی کرد ولی می‌توان بر حسب شرایط آن‌ها را تعدیل نمود. نصاب، حداقل توانایی برای پرداخت مالیات است.^۵ اگر دارایی، کمتر از نصاب باشد نمی‌توان از آن مالیات گرفت.^۶ قاعده این است که ارزش نصاب محصولات،

یکسان باشد. نصاب هر محصول پس از کسر هزینه‌های تولید است. تفاوت در صعوبت و سهولت تولید می‌تواند موجب تفاوت در نصاب باشد. احتمال دارد تفاوت در نصاب انعام ثلاثه یعنی ارزش چهل گوسفند، سی گاو و پنج شتر، ناشی از این امر باشد (زمانی رستمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۱).

۲-۴. مقایسه مالیات اسلامی زکات با مالیات متعارف در فرار مالیاتی

بیشتر مردم درصدد فرار از مالیات هستند اما فرار از مالیات اسلامی را ناپسند می‌دانند. با رسمیت یافتن مالیات اسلامی، فرار مالیاتی کاهش می‌یابد، اظهارنامه‌ها صادقانه‌تر می‌شود و منابع درآمدی، شفاف‌تر می‌گردد. به گفته رئیس سازمان مالیاتی، فرار مالیاتی ۲۵ درصد و معافیت مالیاتی ۴۰ درصد از تولید ملی است، یعنی حدود ۶۵ درصد از ظرفیت مالیاتی کشور مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (روزنامه جام جم، ۹۱/۹/۱۶).

با توجه به اعتقاد به وجوب زکات، جایگزینی زکات، از میزان فرار مالیاتی می‌کاهد. زمینه‌های فرار مالیاتی عبارتند از عدم گسترش فرهنگ مالیاتی، عدم مبادله کامل اطلاعات، فقدان نظارت و پیگیری، عدم تسلیم اظهارنامه، تأخیر در وصول، نشناختن مؤدیان، مستند نبودن میزان درآمد، قوانین پیچیده، خوداشتغالی، پیر شدن جوامع، فشارهای جهانی (بروکس، ۲۰۰۱، صص ۳۳-۱). این زمینه‌ها در مورد مالیات اسلامی کمتر است.

عبادی و تکلیفی بودن زکات موجب می‌شود مؤدیان زکات، شفاف‌تر، صادقانه‌تر و سریع‌تر عمل کنند. در هر نظام مالیاتی، مجازات کمتر ولی قاطعانه‌تر، بیشتر از مجازات سنگین ولی غیرقطعی، بر فرار مالیاتی مؤثر می‌باشد (خان جان، ۱۳۸۳، ص ۶۶). مجازاتی تکوینی مانند از بین رفتن مال و مجازاتی اخروی مانند آتش و نیش مارها قاطعانه‌ترین مجازاتی است که می‌توان برای فرار مالیاتی تصور کرد. همچنین با افزایش سن، فرار مالیاتی افزایش می‌یابد (سیدنورانی، ۱۳۸۸، ص ۳۶). اما در نظام اسلامی افزایش سن موجب افزایش ایمان و کاهش فرار می‌شود.

عامل دیگر فرار، بی‌اعتمادی به وعده‌های دولت است (سیدنورانی، ۱۳۸۸، ص ۳۷)، اما کسی به وعده‌های خداوند در مورد آثار زکات بی‌اعتماد نیست. احساس بدنامی در

کاهش فرار مالیاتی مؤثر است (سیدنورانی، ۱۳۸۸، ص ۳۸)، بدنامی ناشی از عدم پرداخت زکات، اثر شدیدتری دارد. وجود دفترهای تجاری دوم و به بیان دیگر فرار مالیاتی، امری طبیعی و رایج است ولی بسیاری از تولیدکنندگان مؤمن با طیب نفس، خمس و زکات می‌پردازند.

اندرونی و دیگران بر نقش گناه و احساس شرم در کاهش فرار مالیاتی تأکید می‌کنند. این احساس در مورد مالیات اسلامی شدید است (اندرونی و همکاران، ۱۹۹۸، ص ۸۱۸). همچنین احساس افراد در ناعادلانه بودن مالیات موجب افزایش فرار می‌شود (فورتین و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۱۴)، این احساس نیز در مورد مالیات اسلامی زکات وجود ندارد.

۳. روش تحقیق و تصریح مدل

در این مقاله برای مقایسه میزان تأثیرگذاری مالیات اسلامی زکات با مالیات متعارف بر توزیع درآمد طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۰ در گروه استان‌های منتخب از مدل زیر استفاده شده است. استان‌های مطالعه شده در این تحقیق شامل آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، فارس، قزوین، مازندران، مرکزی، هرمزگان و یزد می‌باشد.

رابطه (۱)

$$GINI_t = \beta_0 + \beta_1 TAX_t + \beta_2 ZA_t + \beta_3 GDPP_t + \beta_4 GE_t + \beta_5 LMW_t + \beta_6 UN_t + \beta_7 INF_t + \varepsilon_t$$

در زیر متغیرهای مدل معرفی می‌شوند:

GINI: ضریب جینی به‌عنوان شاخصی برای توزیع درآمد،

TAX: مالیات متعارف،

ZA: زکات،

GDPP: تولید ناخالص داخلی سرانه،

GE: مخارج دولت،

LMW: حداقل دستمزد،

Un: بیکاری،

Inf: تورم

و U جمله خطای معادله و t_i نشان‌دهنده استان و زمان می‌باشند.

لازم بذکر است که مدل بر اساس روش پانل و با استفاده از نرم‌افزار EViews برآورد شده است.

علت استفاده از مدل داده‌های پانل این است که یک مدل داده‌های پانل حاوی اطلاعاتی در زمان و مکان است که شامل N مؤلفه در T دوره زمانی است. داده‌های پانلی حاوی اطلاعات بیشتر، تنوع گسترده‌تر و هم‌خطی کمتر میان متغیرها بوده و در نتیجه کاراتر می‌باشند. درحالی‌که در سری‌های زمانی هم‌خطی بیشتری را بین متغیرها مشاهده می‌کنیم. با توجه به اینکه داده‌های پانلی ترکیبی از سری‌های زمانی و مقطعی می‌باشد، بعد مقطعی موجب اضافه شدن تنوع زیادی شده و در نتیجه برآوردهای معتبرتری را می‌توان انجام داد. در اینجا تعداد مشاهدات ما به NT افزایش یافته که منجر به برآوردهای کاراتری از متغیرها می‌شود. از سوی دیگر، داده‌های پانلی امکان طراحی الگوهای رفتاری پیچیده‌تری را فراهم می‌کنند. داده‌های پانلی امکان بیشتری را برای شناسایی و اندازه‌گیری اثراتی فراهم می‌کنند که با اتکای صرف به آمارهای مقطعی یا سری زمانی به‌سادگی قابل شناسایی نیستند.

ضمناً خاطر نشان می‌نماید که در مطالعات ابونوری و قاسمی تازه‌آبادی (۱۳۸۷) و عسگری و بادپا (۱۳۹۳) در بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد، از مدل داده‌های پانل استفاده شده است.

۳-۱. معرفی متغیرهای مدل و علل انتخاب آن‌ها

متغیر توضیحی تولید

آدام اسمیت معتقد بود که در اثر ازدیاد تولید، رشد اقتصادی حاصل می‌گردد و با پیشرفت فنی و افزایش میزان سرمایه‌گذاری، جریان توسعه تحقق می‌یابد. این امر سبب می‌گردد که میزان دستمزد به مرور از سطح دستمزد معیشتی فاصله بگیرد و افزایش سطح دستمزدها می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقشار فقیر داشته باشد.

برعکس، رکود اقتصادی که طی آن دستمزد در سطح پایینی قرار می‌گیرد منجر به فقر نیروی کار شده و ادامه آن می‌تواند تمامی جامعه را در بر بگیرد.

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد، تولید و رشد اقتصادی است. طبق احکام اسلامی، مالیات‌های شرعی (از جمله زکات) به صورت کلی تابعی فزاینده از درآمدها هستند و برخی مالیات‌ها نیز مشروط به رسیدن درآمد به یک حد نصاب می‌باشند. در تئوری‌های اقتصادی متغیر تولید ناخالص داخلی هر منطقه‌ای به‌عنوان درآمد ناخالص مطرح می‌شود و کل درآمدهای منطقه از محل ارزش تولید آن حاصل می‌گردد (عزتی و نورمحمدلو، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸). بنابراین، در این تحقیق از متغیر محصول ناخالص داخلی سرانه استان‌ها به‌عنوان متغیر جایگزین درآمد استفاده شده است.

متغیر توضیحی تورم

تورم یکی از دشواری‌های اساسی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. نرخ تورم بالا همراه با نوسانات زیاد اثرات نامطلوبی بر رشد و توسعه اقتصادی و همچنین توزیع درآمد و عدالت اجتماعی می‌تواند داشته باشد. تورم یکی از سازوکارهای بازتوزیع درآمد خصوصاً از اقشار حقوق و دستمزد بگیر به صاحبان یا توزیع‌کنندگان کالاها و همچنین صاحبان دارائی‌های فیزیکی (مانند املاک و مستغلات) و نیز انتقال قدرت خرید از سپرده‌گذاران به وام‌گیرندگان شبکه بانکی بوده است. کاهش قدرت خرید صاحبان درآمد ثابت و نیز متفع شدن برخی اقشار همچون توزیع‌کنندگان کالاها و رانت‌جوها از تبعات اقتصادی و اجتماعی شکاف اقتصادی است که تورم بین این طبقات و اقشار حقوق و دستمزد بگیر ایجاد می‌کند. نرخ تورم به دلیل تأثیر بر قدرت خرید خانوار از عوامل مهم و تأثیرگذار بر توزیع درآمد است، به طوری که افزایش مداوم سطح قیمت‌ها و در نتیجه بروز تورم باعث بدتر شدن سطح زندگی افراد و افزایش نابرابری درآمدی می‌شود (سالواتوره، ۱۳۸۳، ص ۷۶).

متغیر توضیحی بیکاری

در بررسی تأثیر بیکاری و اشتغال بر توزیع درآمد این نکته شایان ذکر است که در هر اقتصاد و در هر سطح از توسعه‌یافتگی، افزایش بیکاری یا اشتغال ناقص از طریق افزایش شمار کم درآمدها به تشدید نابرابری درآمد و کاهش استاندارد زندگی کمک

می‌کند. وقوع بیکاری در کشورهای مختلف در مراحل رکود و بحران اقتصادی مشاهده شده و طی مراحل مختلف توسعه اقتصادی تأثیر خود را نشان داده است و بیکاری و اشتغال ناقص به صورت یکی از ویژگی‌های اصلی مشکل فقر نمایان شده است (کیانمهر، ۱۳۸۵، ص ۶۰).

کار مهم‌ترین منبع در دسترس گروه‌ها و خانوارها در تأمین درآمدهای مورد نیاز خانوار است. مطالعات و بررسی‌های اقتصادی نشان می‌دهند بسیاری از افراد زندگی خود را از راه کار برای دیگران تأمین می‌کنند. بر این پایه، وجود فرصت‌های مناسب برای عرضه این عامل می‌تواند تأثیر بسزایی در وضعیت مالی و زندگی و توزیع درآمد بهتر داشته باشد. بیکاری وضعیتی است که در آن با کمبود تقاضا برای نیروی کار روبه‌رو می‌شویم، یعنی در این شرایط فرصت‌های شغلی موجود در بازار تأمین‌کننده نیاز عرضه‌کنندگان در بازار نیست و در نهایت شماری از افراد جامعه بدون دسترسی به شغل ناچار به زندگی در وضعیت نامناسب می‌باشند. بنابراین، با افزایش نرخ بیکاری توان مالی افراد کاهش می‌یابد و از دیدگاه نظری انتظار بر آن است که بیکاری موجب افزایش نابرابری درآمدی شود.

متغیر توضیحی مخارج دولت

مخارج دولت شامل هزینه‌های جاری و عمرانی است. هزینه‌های جاری و عمرانی دولت تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سطح فعالیت‌های اقتصادی، تسریع رشد اقتصادی و کمک به حفظ ثبات اقتصادی دارد. هزینه‌های دولت، تولید را از طریق بهبود کارایی نیروی کار و ایجاد زیربنای مستعد اقتصادی، اجتماعی و غیره تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثرات تعیین‌کننده بر توزیع درآمد و ثروت، که معمولاً عادلانه صورت نمی‌گیرد، می‌گذارد. مخارج عمرانی دولت از مؤثرترین ابزارهای بودجه به شمار می‌آیند. با افزایش سرمایه‌گذاری دولت، سازوکارهای فزاینده درآمد در کوتاه‌مدت به کار افتاده، درآمد و قدرت خرید تعدادی از افراد جامعه افزایش می‌یابد. در نتیجه تقاضا برای کالا و خدمات ایجاد می‌شود و وجود این تقاضا موجب سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد شد. مخارج جاری دولت به‌طور مستقیم اثری بر قدرت تولید جامعه ندارد، بلکه برای عده‌ای درآمد ایجاد کرده، سپس ایجاد تقاضا می‌کند که ممکن است این تقاضا به صورت سرمایه‌گذاری

جدید ظاهر شود. گسترش مخارج جاری دولت که اثر غیر تولیدی دارد، بر توزیع درآمد تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد و معمولاً، متوجه گروه‌های پردرآمد جامعه می‌شود و امکان بهره‌مند شدن بیشتر قشر کم‌درآمد را فراهم نمی‌کند (سامتی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

در این مقاله از مجموع عملکرد اعتبارات هزینه‌ای (جاری) دستگاه‌های اجرایی از محل درآمد عمومی و عملکرد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) استان‌ها از محل درآمد عمومی به‌عنوان تقریبی از هزینه‌های دولتی در سطح استان‌ها استفاده شده است. این متغیر به معنای تزریق پول به استان است که موجب بهبود اقتصادی می‌شود و انتظار می‌رود با رونق اقتصادی و بهبود درآمد مردم استان، توزیع درآمد بهبود یابد.

متغیر توضیحی حداقل دستمزد

افزایش حداقل دستمزد یکی از راه‌های بالقوه‌ای است که برای بهبود سطح زندگی کارگران فقیر و کم‌درآمد و کاهش نابرابری‌های درآمدی، مورد توجه قرار می‌گیرد. اغلب کشورها به منظور تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از کارگرانی با تخصص و مهارت پایین، اقدام به تعیین حداقل دستمزد می‌کنند و در این راستا معمولاً حداقل دستمزد بدون توجه به بهره‌وری تعیین شده و ممکن است تمام بخش‌های اقتصادی را تحت پوشش قرار ندهد (پژویان و امینی، ۱۳۸۰، ص ۵۸).

در مقابل تحلیل‌های اجتماعی از حداقل دستمزد به‌عنوان ابزاری کارآمد در جهت کاهش فقر و نابرابری، عمده تحلیل‌های اقتصادی تأثیر غیر مستقیم این سیاست بر توزیع درآمد را از طریق اثرگذاری آن بر متغیرهای اقتصادی مهمی چون تورم، اشتغال و بیکاری و فقر مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

نظریه‌های اقتصاد رسمی، حداقل دستمزد را ابزار بالقوه قدرتمندی در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی معرفی می‌کنند. فلپس معتقد است که پایین بودن غیرمنصفانه سطح دستمزدها سبب می‌شود که کارگران تنها یک تعلق خاطر دوره‌ای به کار خود داشته باشند که این خود سبب کاهش سطح بهره‌وری، افزایش رقابت‌های غیرقانونی بنگاه‌ها در جذب کارگران و در نهایت افزایش هزینه‌های تولیدی بنگاه‌ها می‌شود که به‌دنبال آن با فشار بر قیمت‌ها، کاهش تقاضا برای تولیدات داخلی و افزایش بیکاری، شکاف درآمدی و فقر را عمیق‌تر می‌کند (مورای و حق، ۲۰۰۷، ص ۴).

شایان ذکر است که علت انتخاب این متغیرها، علاوه بر تأثیر آن‌ها بر توزیع درآمد براساس مبانی نظری، استفاده مطالعات و پژوهش‌های قبلی از این متغیرها بوده است به نحوی که تورم در مطالعات نیلی و فرح بخش (۱۳۷۷)، ابونوری (۱۳۷۶)، شهید اول (۱۳۸۲)، رضایی و همکاران (۱۳۹۲)، ورهرامی و همکاران (۱۳۹۵)، عزتی و نورمحمدلو (۱۳۹۱) و سبحانی و مهربانی (۱۳۸۶) به‌عنوان یک متغیر اصلی مؤثر بر توزیع درآمد مطرح شده است. از سوی دیگر، نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷)، ابونوری (۱۳۷۶)، عزتی و نورمحمدلو (۱۳۹۱) و سبحانی و مهربانی (۱۳۸۶) در توضیح نوسانات توزیع درآمد، از متغیر بیکاری بهره برده‌اند.

متغیر مخارج و هزینه‌های دولت در مطالعات ابونوری (۱۳۷۶)، رضایی و همکاران (۱۳۹۲) و عزتی و نورمحمدلو (۱۳۹۱) مورد استفاده قرار گرفته و همچنین متغیر تولید در پژوهش‌های نیلی و فرح‌بخش (۱۳۷۷)، رضایی و همکاران (۱۳۹۲)، ورهرامی و همکاران (۱۳۹۵)، و عزتی و نورمحمدلو (۱۳۹۱) به‌عنوان یک متغیر مهم تأثیرگذار بر توزیع درآمد مطرح گردیده است. شایان ذکر است متغیر حداقل دستمزد نیز در مطالعات مهرگان و همکاران (۱۳۸۸)، پژویان و امینی (۱۳۸۰) و مورای و حق (۲۰۰۷) مورد استفاده قرار گرفته است.

همان‌گونه که ملاحظه شد، متغیرهای تولید (رشد اقتصادی)، بیکاری، تورم، مخارج دولتی و حداقل دستمزد از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند نقش مهمی در توزیع درآمد ایفا کنند.

جدول ۱: تعریف متغیرها و منابع داده‌ها

متغیر	تعریف	منبع
GINI	ضریب جینی (شاخصی برای توزیع درآمد)	مرکز آمار ایران و بانک مرکزی
TAX	مالیات متعارف	مرکز آمار ایران و بانک مرکزی
ZA	زکات	کمیته امداد امام خمینی (عج)
GDPP	تولید ناخالص حقیقی	مرکز آمار ایران و بانک مرکزی
GE	مخارج دولت	مرکز آمار ایران و بانک مرکزی
LMW	حداقل دستمزد	مرکز آمار ایران و بانک مرکزی
INF	تورم	مرکز آمار ایران و بانک مرکزی
UN	بیکاری	مرکز آمار ایران و بانک مرکزی

۲-۳. برآورد مدل

به منظور تخمین معادله فوق ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های پانل تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از استان‌ها از آماره F استفاده شد. با توجه به میزان آماره F محاسبه شده در جدول ۲ با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود. در نتیجه رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی‌باشد و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ نمود. سپس برای آزمون این که مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن استفاده شد. انجام این آزمون با استفاده از نرم‌افزار EViews انجام گرفت. با توجه به میزان آماره χ^2 به دست آمده از انجام محاسبات برای این رگرسیون روش اثرات ثابت در تخمین مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد که نتایج مربوط به آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج برآورد تأثیر مالیات و زکات بر ضریب جینی در گروه استان‌های منتخب درآمد متوسط به

روش اثرات ثابت

متغیرهای توضیحی	ضرایب	آماره t	(P-Value)
C	۰.۱۶۷۶۵۸	۶.۶۹۱۱۲۷	۰.۰۰۰۰
TAX	-۰.۰۴۶۱۸	-۰.۵۲۴۴۲۴	۰.۰۰۰۰۲
ZA	-۰.۰۰۶۴۲۱	-۲۰.۶۰۰۴۰	۰.۰۰۰۰
GDPP	-۶.۳۸۸۳۱۷	-۲۷.۳۶۶۶۱	۰.۰۰۰۰
GE	-۰.۳۹۸۲۷۷	-۱۰.۸۱۰۷۰	۰.۰۰۰۰۸
LMW	-۰.۰۰۸۸۳	-۲.۵۹۶۲۹۵	۰.۰۱۰۰
INF	۰.۱۰۶۷۹۸	۳.۸۸۲۰۱۰	۰.۰۰۳۰
UN	۰.۶۲۶۷۲۷	۲۲.۳۴۴۵۶	۰.۰۰۰۰۱
R ²	۰.۷۶۵۶۵۶		
Durbin-Watson stat	۱.۷۷۸۶۹۵		
آماره F	F(11,137)= 2.221287	P-value=(0.0012)	
آماره هاسمن	CHISQ(6)= 11.226545	P-value=(0.0115)	

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل از برآورد مدل در گروه استان‌های منتخب به روش اثرات ثابت در جدول ۲ نشان می‌دهد:

TAX: درآمدهای مالیاتی تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه استان‌های منتخب دارد. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط منفی و معنادار میان درآمدهای مالیاتی و ضریب جینی در گروه استان‌های منتخب را نمی‌توان رد کرد. مالیات عمدتاً از اهداف درآمدی، توزیعی، تخصیصی و تثبیتی برخوردار است. «هدف توزیعی» از مهم‌ترین اهداف و وظایف مالیات محسوب می‌شود. زیرا در صورت کارآمد بودن نظام مالیاتی و شناسایی دقیق ظرفیت‌های مالیاتی و با فرض ثبات سایر شرایط (شفافیت قوانین، عدم فرار مالیاتی و امثال آن) از صاحبان درآمد و ثروت‌های بالا، مالیات اخذ می‌شود و برای حمایت از اقشار کم‌درآمد و فقرا هزینه می‌شود که این امر می‌تواند زمینه توزیع مجدد درآمد و ثروت را فراهم کند.

ZA: زکات تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه استان‌های منتخب دارد. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط منفی و معنادار میان مالیات اسلامی زکات و ضریب جینی در گروه استان‌های منتخب را نمی‌توان رد کرد.

GDPP: تولید ناخالص داخلی واقعی تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه استان‌های منتخب دارد.

GE: مخارج دولت تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه استان‌های منتخب دارد.

LMW: لگاریتم دستمزد تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه استان‌های منتخب دارد.

INF: تورم تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه استان‌های منتخب دارد. تورم باعث افزایش ضریب جینی شده و برابری توزیع درآمد را کاهش خواهد داد.

UN: بیکاری تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه استان‌های منتخب دارد. بیکاری باعث افزایش ضریب جینی شده

و برابری توزیع درآمد را کاهش خواهد داد. در پایان نتایج نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در مالیات‌ها ضریب جینی را به اندازه $0/046$ درصد کاهش می‌دهد درحالی‌که یک درصد افزایش در زکات ضریب جینی را به اندازه $0/0064$ درصد کاهش می‌دهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مالیات‌ها در نظام‌های اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، نه تنها ابزار تأمین‌کننده مصارف بودجه دولت محسوب می‌شوند، بلکه در اجرای سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی تعیین شده نیز نقش بارزی ایفا می‌کنند. توزیع درآمد و راه‌های تعدیل نابرابری در توزیع درآمد یکی از مباحث مهمی است که در هر نظام فکری و اقتصادی مورد توجه فلاسفه و جامعه‌شناسان و علمای علم اقتصاد قرار دارد. در پاسخ به اینکه توزیع درآمد چیست و چگونه می‌بایستی درآمد بین افراد جامعه توزیع شود؟ نظرات مختلفی از طرف صاحب‌نظران اقتصادی مطرح شده است. اما به‌طور اجمال می‌توان گفت به عقیده اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک مکانیسم بازار سهم هر عامل تولید و نحوه توزیع درآمد را مشخص می‌کند. به عقیده این گروه از اقتصاددانان عرضه و تقاضای هر عامل تولیدی در بازار قیمت و مقدار تعادل و سهم هر عامل تولید را از کل تولید مشخص می‌کند. از این‌رو در این مقاله کوشش شده است تا میزان تأثیرگذاری درآمدهای مالیاتی و زکات بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه استان‌های منتخب در دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۳ بررسی شود.

نتایج نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در مالیات‌ها ضریب جینی را به اندازه $0/046$ درصد کاهش می‌دهد درحالی‌که یک درصد افزایش در مالیات اسلامی زکات ضریب جینی را به اندازه $0/0064$ درصد کاهش می‌دهد. مشاهده می‌شود که میزان تأثیر مالیات اسلامی زکات از مالیات متعارف بر توزیع درآمد به مراتب کمتر است. علت آن می‌تواند سهم ناچیز درآمد ناشی از زکات نسبت به درآمد مالیاتی در کشور باشد. این نتیجه با نتایج مطالعات ورهرامی و همکاران (۱۳۹۵)، جل (۱۹۹۴) و عسگری و بادپا (۱۳۹۳) همخوانی و سازگاری دارد.

در پایان پیشنهاد می‌شود دولت از طریق ایجاد یک مکانیسم توانمند و فعال نسبت به دریافت به هنگام زکات در جوامع شهری و روستایی اقدام نموده و درآمد حاصل از آن را از طریق سازوکارهای منطبق با موازین شرعی و قانونی به مصارف مربوطه به نحوی اختصاص دهد که حداکثر اثربخشی در توزیع عادلانه‌تر درآمد را بدنبال داشته باشد.

یادداشت‌ها

۱. ر.ک: سهیلا پروین (۱۳۷۲). فصل چهارم، ابونوری (۱۳۷۶) و گیلک حکیم آبادی (۱۳۷۹)، فصل دوم.
2. Income Redistribution or Income Distribution
3. Direct & Indirect Taxes
۴. زکات زراعت بر حسب سهولت یا صعوبت آبیاری از ۱۴-۸ درصد است. این امر دلالت دارد که نرخ زکات می‌تواند بر حسب شرایط تغییر یابد.
۵. برخی محصولات، چند نصاب دارند. نصاب‌های بعدی برای تعدیل نرخ زکات است.
۶. همان‌گونه که اگر دارایی فرد بیشتر از نصاب باشد استحقاق دریافت زکات (و صدقه و یارانه) ندارد.

کتابنامه

- ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶). اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۱، صص ۳۲-۱.
- ابونوری، اسماعیل و قاسمی تازه آبادی، افسانه (۱۳۸۶). ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده‌های پانل بین استانی)، مجله اقتصاد اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۳۹-۱۶۴.
- اسدالله زاده بالی، میررستم (۱۳۸۷). اثربخشی مالیات بر نابرابری و توزیع درآمد در ایران؛ فصلنامه مالیات، ش ۱، صص ۹۲-۷۳.
- بهشتی، محمدحسین (۱۳۶۲). اقتصاد اسلامی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پروین، سهیلا (۱۳۷۲). زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- پژویان، جمشید و امینی علیرضا (۱۳۸۰). آزمون تجربی اثر قانون حداقل دستمزد بر اشتغال گروه‌های جمعیتی جوان در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره پیاپی ۲، صص ۷۴-۵۵.
- ثامنی، کیوان (۱۳۷۷). محاسبه ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- خانجان، علیرضا (۱۳۸۳). پتانسیل فرار و تقلب در نظام مالیات بر ارزش افزوده؛ مجله اقتصادی، سال چهارم، ش ۸۳، ص ۸.

- رضایی، اسعدالله؛ حسین زاده، جواد؛ فرامرزی، ایوب و یزدان خواه، منصوره (۱۳۹۲). تأثیر اندازه دولت بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۱، شماره ۴، صص ۳۶-۲۱.
- زمانی رستمی، محمد؛ رستمی، محمدهادی (۱۳۹۴). پیشنهادهایی برای بسط و جایگزینی نظام مالیاتی اسلام؛ مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۱۵، صص ۲۶-۷.
- زمانی‌فر، حسین (۱۳۸۲). ارزیابی توان فقرزدایی زکات در برخی از استان‌های منتخب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- سامتی، مرتضی؛ مجید صامتی و مهشید شاهچراغ (۱۳۸۲). جهت‌گیری مناسب هزینه‌های جاری و عمرانی دولت به منظور دستیابی به رشد بهینه اقتصادی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۵، صص ۱۸-۱.
- سالواتوره، دومینیک (۱۳۸۳). مالیه بین‌المللی، ترجمه: حمیدرضا ارباب، تهران: نشر نی.
- سبحانی، حسن و مهربانی، وحید (۱۳۸۶). بررسی تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها در ایران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۸۶، صص ۴۴-۲۳.
- سید نورانی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- شهید اول، مجید (۱۳۸۲). ارزیابی و بررسی تورم و نابرابری درآمدها در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۹). طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه فخرالدین شوشتری، تهران: انتشارات بدر.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۰). اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عزتی، مرتضی و نورمحمدلو، پروانه (۱۳۹۱). برآورد اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۰، شماره ۶۳، صص ۱۵۴-۱۳۳.
- عسگری، حشمت‌اله و بادپا، بهروز (۱۳۹۳). اثر زکات بر مصرف عمومی در ایران، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۱۱۲-۸۳.
- عسگری، محمد مهدی و کاشیان، عبدالحمید (۱۳۸۹). آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷؛ فصلنامه معرفت اقتصادی، ش ۱، صص ۳۴-۵.
- فلاحتی، علی، الماسی، مجتبی و آقایی، فاطمه (۱۳۸۸). تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۵۲؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی، ش ۱۱، صص ۱۳۱-۱۰۹.
- کیاالحسینی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۷). نقش زکات فطره در فقرزدایی مطالعه موردی ایران ۱۳۸۵-۱۳۷۰؛

- اقتصاد اسلامی، ش ۳۱، صص ۱۵۹-۱۳۳.
- کیاالحسینی، سید ضیال‌الدین (۱۳۹۱). جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آن‌ها، نشر دانشگاه علوم انسانی مفید.
- کیانمهر، محمد ولی (۱۳۸۵). بررسی آثار بیکاری با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی، ماهنامه تعاون، شماره ۱۸۳، صص ۶۰-۶۳.
- گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۷۹). امکان جاگزینی مالیات بر درآمد با خمس و تبیین آثار آن بر برخی متغیرهای اقتصاد کلان، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۸۳). درس‌هایی از روند اصلاحات مالیاتی در جهان، مجله پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱۳، صص ۱۵۸-۱۲۹.
- گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۸۵). بررسی توان زکات‌گندم و جو در کاهش فقر مطالعه موردی استان گلستان؛ نامه مفید، ش ۵۴، صص ۱۲۲-۱۰۱.
- گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۸۹). تحلیل مقایسه‌ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۵۷، صص ۲۲۸-۱۸۹.
- لشکری، محمد، بافنده ایماندوست، صادق (۱۳۹۰). نقش دولت اسلامی در توسعه اقتصادی؛ دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره دوم، صص ۱۴۰-۱۲۵.
- مهرگان، نادر؛ اصغرپور، حسین؛ صمدی، رویا و پورعبادالهی، محسن (۱۳۸۸). رابطه حداقل دستمزد با توزیع درآمد در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۶۴-۴۶.
- موحدی، مهدی و رضایی، محمدجواد (۱۳۹۱). ارتباط وجوه شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه، پژوهشنامه مالیات، شماره ۵۹، صص ۳۷-۲۳.
- ورهرامی، ویدا؛ لایق گیگلو، جابر و لایق گیگلو، وحید (۱۳۹۵). تأثیر زکات بر توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰، فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، دوره ۱۳، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۹-۲۶.

- Andreoni, James, Erard, Brian and Feinstein, Jonathan (1998). Tax Compliance, *Journal of Economic Literature*, Vol. 36, No. 2, pp. 51-68.
- Brooks, Neil (2001). *Key Issues in Income Tax: Challenges of Tax Administration and Compliance*, Tax Conference Tokyo: Asian Development Bank Institute.
- Fortin, Bernard; Guy, Lacroix & Marie-Claire, Villeval (2004). Tax Evasion and social Interactions, CIRANO Working Papers, *Journal of Public Economics*.
- Ferrira, Pedro Cavalcanti (2005). *Welfare and Growth Effects of Alternative Fiscal Rules for Infrastructure Investment in Brazil*, Ensaios Economicos da EPGE 604. EPGE- FGV Output Novembro 2005.
- Koen Caminada, L.; Kees, Goudswaard and Chen, Wang (2012). *Disentangling Income Inequality and the Redistributive Effect of Taxes and Transfers in 20 LIS Countries Over Time*. LIS Working Paper Series No. 581.

- Murray S. & Hugh M. (2007). *Bringing Minimum Wages above the Poverty Line*, Canadian Centre for Policy Alternatives / available at: /http//www.gov.mb.ca.
- Thirsk. Wavns. Kessons (1990). *from Tax Reform: an overview in Tax Policy in Developing Countries*; Edited by J. Khalilzadeh Shirazi, World Bank.